

در جهان چند زبان وجود دارد؟

درباره‌ی تعداد زبان‌هایی که امروز در جهان به آن‌ها تکلم می‌شود توافقی وجود ندارد. بیش‌تر کتاب‌های مرجع، ارقامی بین ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ را نشان می‌دهند اما برآوردهای انجام شده بین ۳۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ در نوسانند. برای پی بردن به علت این بی‌ثباتی و بلا تکلیفی باید دشواری‌های فراوانی را بررسی کنیم که افراد مشتاق به کسب اطلاعات دقیق با آن روبه‌رواند. همچنین باید عللی (علل زیانشناختی، تاریخی و فرهنگی) را مدنظر قرار دهیم که مانع پاسخی ساده به این پرسش هستند: «چه ویژگی‌هایی باعث می‌شود چیزی را زبان بنامیم؟».

اکتشافات

یکی از دلایل روشن عدم قطعیت درباره‌ی تعداد زبان‌ها آن است که هنوز کشف مردمان جدید و در نتیجه زبان‌های جدید در نواحی ناشناخته‌ی جهان، به ویژه در حوزه‌ی رودخانه‌ی آمازون (با گسترش سیستم جاده‌های این منطقه)، آفریقای مرکزی و گینه‌ی نو ادامه دارد. با این حال از این راه تنها با تعداد معدودی زبان روبه‌رو می‌شویم و معمول‌تر، یافتن مناطقی از جهان است که مردم آن شناخته شده‌اند. اما زبان‌هایی که در آن نواحی به آن‌ها تکلم می‌شود، ناشناخته‌اند. درحقیقت کشورهای بسیاری وجود دارند که بررسی‌های زیانشناختی آن‌ها ناتمام و یا حتا آغاز نشده است. اغلب فرض براین است که مردم به یکی از زبان‌های شناخته شده در ناحیه شان و یا به یکی از گویش‌های آن زبان‌ها صحبت می‌کنند. اما در تحقیقات مشخص می‌شود که این گویش نسبت به آن زبان بسیار متفاوت است به صورتی که خود باید به عنوان یک زبان مجزا شناخته شود.

زبان‌های زنده یا زبان‌های مرده؟

در برابر افزایش مداوم تعداد زبان‌های جهان، عامل عمده‌ای وجود دارد که باعث کاهش این

تعداد می‌شود. برای آن که یک زبان، زبانی زنده محسوب شود، باید گویشوران زنده و بومی وجود داشته باشند که آن زبان را بکار گیرند. اما در بسیاری نقاط جهان تعیین این نکته که گویشوران بومی یک زبان هنوز زنده هستند و یا اگر زنده هستند هنوز از زبان مادری خود استفاده می‌کنند، کاریست بس دشوار.

سرعت مرگ یک زبان در جوامع کوچک‌تر جهان چشمگیر است. کاوش‌های صورت گرفته در آمازون منجر به کشف زبان‌های جدید بسیاری شد. اما همان گونه که فرهنگ متنفس غرب زبان‌های سرخ‌پوستان را در خود فرو برد، همین کاوش‌ها منجر به مرگ سریع این زبان‌ها نیز شد. در طول یک نسل تمام نشانه‌های یک زبان ممکن است ناپدید شود. تصمیم‌های سیاسی، قبایله‌ها را به مهاجرت وادار می‌سازد و یا باعث از همپاشی آن‌ها می‌شود. دورنمای اقتصادی باعث جذب اعضای جوان‌تر از روستاها می‌شود. امراض جدید نیز تلفاتی را به خود اختصاص می‌دهند. در ۱۹۶۲، ترومای^۱ زبانی بود که تنها در روستایی واقع در رودخانه‌ی کالوئن^۲ سفلا در ونزوئلا به آن تکلم می‌شد. اما شیوع آنفولانزا جمعیت گویشوران آن را به کمتر از ۱۰ نفر تقلیل داد. با وجود این که در سده‌ی نوزدهم بیش از هزار زبان سرخ‌پوستی در برزیل وجود داشت اما امروز این تعداد به کمتر از ۲۰۰ زبان رسیده است.

زبان یا گویش

در بیشتر زبان‌ها تمایز بین زبان و گویش به نسبت مشخص است. برای نمونه، درباره‌ی زبان انگلیسی، اگرچه تلفظ و واژگان مختلف محلی، برقراری ارتباط را گاهی مشکل می‌سازد، اما درباره‌ی وجود یکپارچگی زبانی نهفته در آن که مسبب می‌شود همگی گویشوران آن به عنوان گویشوران انگلیسی زبان، شناخته شوند هیچ کس تردید ندارد. البته بهره‌گیری از یک زبان نوشتاری معیار و میراث ادبی مشترک نیز بر این مساله صحه می‌گذارد. اما در صدها مورد نیز، ملاحظاتی از این نوع مغایر با یکدیگر هستند و یا به روشنی به کار گرفته نمی‌شوند.

معروف‌ترین مغایرت‌ها هنگامی رخ می‌دهد که معیار هویت ملی^۳ و معیار تفهیم و تفاهم متقابل^۴، با هم تطابق ندارند. رایج‌ترین وضعیت هنگامی است که دو گونه زبانی تحت تکلم، دارای تفهیم و تفاهم متقابل هستند. اما با توجه به دلایل تاریخی و سیاسی باید به عنوان زبان‌های مختلف در نظر گرفته شوند. برای نمونه اگر تنها از معیار تفهیم و تفاهم بهره گرفته شود، در واقع

1. Trumai

2. Culuene

3. national identity

4. mutual intelligibility

تنها در زبان اسکاندیناویایی وجود دارد: زبان اسکاندیناویایی قاره‌ای (سوئدی، دانمارکی و دو گونه معیار زبان نروژی) و زبان اسکاندیناویایی جزیره‌ای (ایسلندی، فارویی^۱).

سوئدی‌ها، دانمارکی‌ها و نروژی‌ها کم و بیش می‌توانند صحبت یکدیگر را بفهمند. اما به محض این که معیار غیرزبانی مطرح شود مجبوریم دست کم پنج زبان را به رسمیت بشناسیم. برای نروژی بودن باید نروژی صحبت کرد، برای دانمارکی بودن باید دانمارکی صحبت کرد و همین طور تا آخر.

در چنین مواردی هویت زبانشناختی و سیاسی در هم ادغام می‌شوند. در موارد مشابه دیگر هنگامی که تفاوت زبانی ناچیزی وجود دارد، هویت‌های سیاسی، محلی، مذهبی، ادبی یا مانند آن بخشی جدید را تحمیل می‌کنند، هندی در برابر اردو، بنگالی در برابر آسامی^۲، فلاندرز^۳ در برابر هلندی، صربی در برابر کرواتی، تووی^۴ در برابر فانتیایی^۵، خوزایی^۶ در برابر زولویی^۷ از جمله این مواردند.

عکس این وضعیت هم رایج است. در این مرحله مواردی را می‌یابیم که گونه‌های گفتاری دارای تفهیم و تفاهم نیستند. اما با این وجود به دلایل سیاسی، تاریخی یا فرهنگی همگی، گونه‌های یک زبان واحد نامیده می‌شوند. برای نمونه سه گویش اصلی زبان لاپلندی^۸ در این طبقه بندی قرار می‌گیرد. زبان چینی مورد دیگری است که در آن معیارهای زبانشناختی نیز مغایر یکدیگرند. از نقطه نظر زبان گفتاری، صدها گویش موجود در چین می‌توانند در هشت طبقه اصلی قرار گیرند که با درجات مختلف فاقد تفهیم و تفاهم متقابلند. اما گویشوران همه‌ی این گویش‌ها از یک زبان نوشتاری سنتی بهره می‌برند و کسانی که نظام نشانه‌های نوشتاری چینی را فرا گرفته‌اند، می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار سازند. بنابراین با وجود تفاوت‌های زبانی، گویشوران زبان چینی آن را زبانی واحد می‌دانند.

در موارد ذکر شده، زبان‌های مورد نظر به خوبی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و دارای گویشوران بسیاری نیز هستند. هنگامی که زبان‌ها کمی مورد بررسی قرار گیرند و یا گویشوران اندکی داشته باشند برای زبانشناسان تفسیر صحیح تمامی عوامل‌ها، بسیار مشکل‌تر است. برای نمونه هنگامی که دو زبان نزدیک به هم باشند، بیشتر واژگان و حتا گاهی صوت و دستور رانیز از یکدیگر قرض می‌گیرند. بنابراین در اولین برخورد ممکن است که زبان‌ها بیش از واقع شبیه

1. Faeroese
3. Flemish
5. Fanti
7. Zulu

2. Assamese
4. Twi
6. Xhosa
8. Lapp

به هم به نظر رسند و امکان دارد تحلیل‌گران تصور کنند گویش‌های یک زبان واحد هستند. این مساله در بخش‌هایی از جهان مانند امریکای جنوبی، افریقا و آسیای جنوب شرقی به یک مشکل واقعی تبدیل شده است و به این ترتیب در این مناطق احتمال در تاثیر قرار گرفتن تمامی گروه‌های زبانی وجود دارد و به همین صورت، تصمیم درباره‌ی چگونگی تحلیل تمامی موارد موجود روی پیوستار گویش‌ها^۱، تعداد نهایی زبان‌ها را در تاثیر قرار می‌دهد.

اسامی زبان‌ها

مشکل اصلی هنگام کار روی نواحی زبانی کم شناخته‌تر، همانا تصمیم‌گیری در این باره است، که با چه اعتباری می‌توان برزبانی نامی نهاد. این مساله هنگام بحث درباره‌ی زبان‌های اصلی دنیا مانند هلندی، آلمانی، تدهسکیایی^۲، نمتسکیایی^۳ و آلمندی^۴ که با یک اسم شناخته می‌شوند و به‌خوبی به زبان‌های دیگر قابل ترجمه‌اند، رخ نمی‌دهد. اما در بسیاری موارد وضعیت خیلی روشن نیست. از یک طرف بسیاری جوامع، اسمی خاص برای زبانشان ندارند. اسمی که آن‌ها استفاده می‌کنند واژه یا عبارتی ساده مانند «زبان ما» یا «مردم ما» است. این مساله بیش‌تر در افریقا (در افریقا واژه بانتو^۵ که به معنای «مردم» است به کل خانواده‌ی زبان‌ها اطلاق می‌شود) و همچنین امریکای مرکزی و جنوبی صادق است. در نواحی امریکای مرکزی و جنوبی نمونه‌هایی همچون کاریبی^۶، تاپویایی^۷، ماکویایی^۸ به ترتیب به معنای «مردم»، «دشمن»، «قبایل جنگی» را می‌توان یافت. گاهی نام بعضی قبایل همچون «چی چی مکاتل»^۹ (اجداد سگ‌ها) «چونتالی»^{۱۰} (بیگانگان) یا «پوپولوکا»^{۱۱} (بربرها) منجر به اسامی جدیدی مانند «چی چی مکا»، «چونتال» و «پوپولوکا» می‌شوند. مانند بیشتر گروه‌های لندایاک^{۱۲} در خانواده‌ی اندونزی غربی. این نام‌ها، نام رودخانه‌ای است که قبیله در کنار آن زندگی کرده است. در چندین زبان بومی در استرالیا نام زبان، کلمه‌ی معادل واژه «این» است.

از طرف دیگر یافتن جامعه‌ای که زبانش دارای نام‌های بسیار زیادی باشد، عادی است. برای نمونه یک قبیله سرخ‌پوست در امریکای جنوبی ممکن است چندین نام داشته باشد. پیش از هر چیز، یک قبیله دارای نامی برای خود است. اما قبیله‌های مجاور ممکن است که به افراد آن

1. dialect continua

3. Nemetskiy

5. Bantu

7. Tapuya

9. Chichimecatl

11. Popoloca

2. Tedesco

4. Allemand

6. Carib

8. Macu

10. Chontalli

12. Land Dayak

قبیله نامی متفاوت را نسبت دهند (برای نمونه یوئل چه^۱ به معنای «مردمی از شرق» در آراکانیان^۲). البته سیاحان اسپانیایی یا پرتغالی نیز ممکن است اسم سومی که برگرفته از یک ویژگی ظاهری است را، به آن‌ها نسبت داده باشند. (کورادو^۳ به معنای تاجدار در پرتغالی).
 به تازگی انسان‌شناسان و دیگر پژوهشگران بر اساس موقعیت جغرافیایی قبیله، از نام دیگری بهره می‌گیرند (قبیله بالایی رودخانه و پایین رودخانه). بالاخره نام همان زبان ممکن است در اسپانیایی، پرتغالی، انگلیسی و یا نظام نوشتاری خود آن زبان (اگر که آن نظام نوشتاری ابداع شده باشد) هم به طرق مختلف هجی شود. برای نمونه Machacali، زبانی که در مینس ژیریس^۴ برزیل تکلم می‌شود گاهی Maxakali^۵ و گاهی Maxakari^۶ هجی می‌شود. هنگامی که حروف اول اسامی، متفاوت باشد (مانند هنگامی که زبان پرویی Candoshi، Kandoshi هجی می‌شود) نمایه‌سازی این اسامی بسیار دشوار است.

پیچیدگی‌های بیش‌تری نیز وجود دارد. گاهی یک نام برای دو زبان متفاوت استفاده می‌شود، در مکزیک از کلمه‌ی Mexican برای اشاره به زبان اسپانیایی (دیگر اسامی شناخته شده برای این زبان español یا castellano هستند) و زبان اصلی سرخ‌پوستان استفاده می‌شود. گاهی گویشوران با پیشینه‌های متفاوت در مورد ارتباط بین شیوه‌های گفتارشان، اتفاق نظر ندارند. گویشوران گویش ای که در جنوب غربی ایران تکلم می‌شود گفتار خود را، گویشی از زبان فارسی می‌دانند در صورتی که گویشوران زبان فارسی با این نظر موافق نیستند. پرسش از گویشوران بومی در این باره بی‌تردید راه حلی را پیش رویمان نمی‌گذارد، زیرا نظر در تاثیر ملاحظه‌های غیرزبانی به ویژه ملی، اجتماعی - اقتصادی و مذهبی است.

نتیجه‌گیری

هنگامی که تمامی این عامل‌ها در نظر گرفته شود، روشن است برای این پرسش: «در جهان چند زبان وجود دارد؟» جوابی نیست. در بعضی بخش‌های دنیا، با احتساب نام‌های تحت‌اللفظی و گویش‌های طبقه‌بندی نشده، که زبان‌های مالایا پولنزیایی^۷ بیش‌تر در این زمره قرار می‌گیرند، تعداد زبان‌ها به بیش از میزان تخمین زده، می‌رسد. اما در دیگر مناطق، تعداد کل زبان‌ها کم‌تر از میزان تخمین زده است. مانند زبان‌های اندونزیایی. در طبقه‌بندی و نمایه‌سازی زبان‌های دنیا که

1. Uelche

2. Araucanian

3. Coroado

4. Minas Gerais

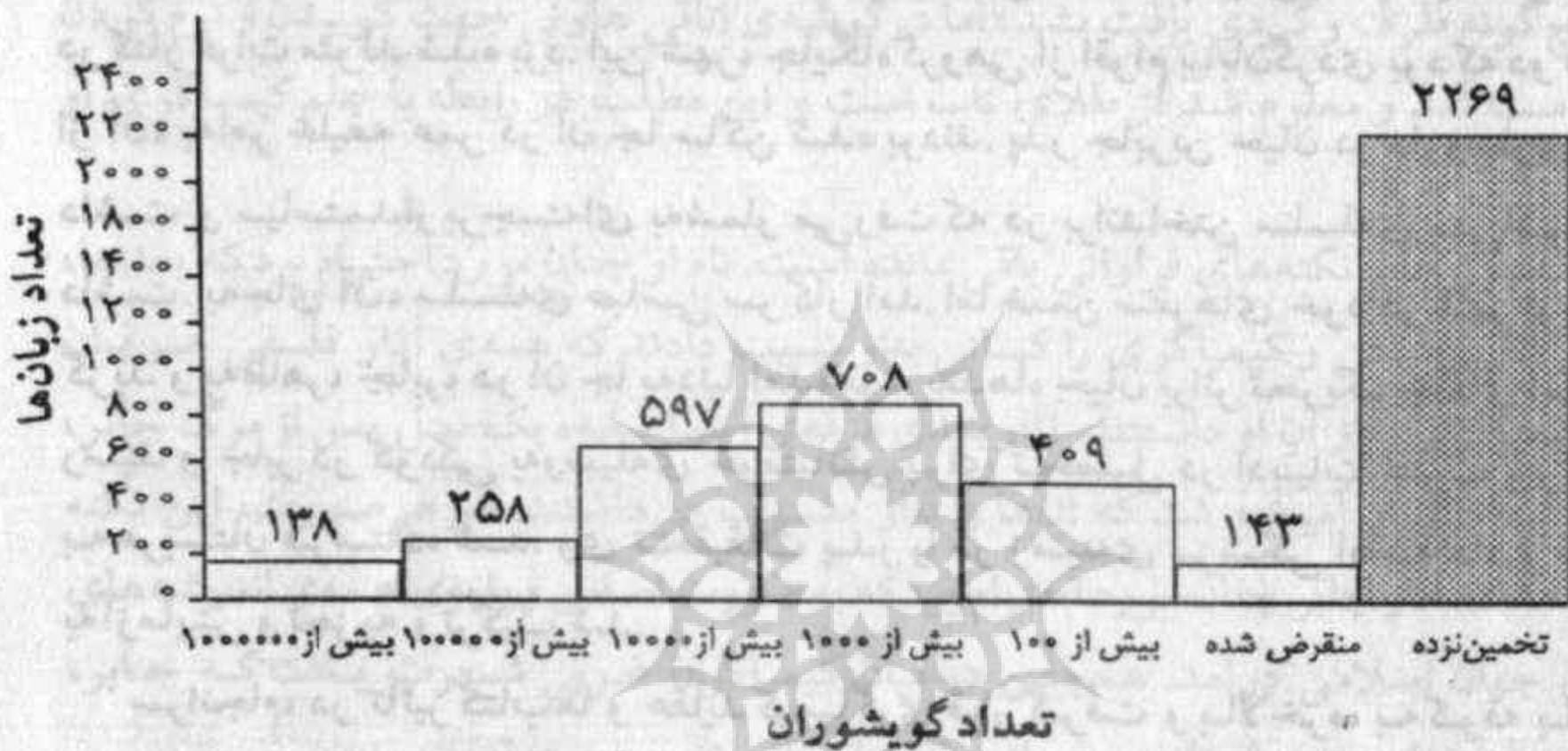
۶. ماکزاکاری

۵. ماکزاکالی

7. Malaya - Polynesion

به وسیله‌ی وئه گلین (Voegelin) در ۱۹۷۷ صورت گرفت، نام بیش از ۲۰۰۰۰ زبان و گویش وجود دارد که این زبان‌ها در ۴۵۰۰ گروه زبان‌های زنده قرار گرفته‌اند. البته از زمان انتشار آن کتاب، تعداد زبان‌های جهان کاهش یافت و به کمتر از ۴۰۰۰ زبان رسید.

این نمودار براساس طبقه‌بندی و نمایه‌ی زبان‌های جهان که به وسیله‌ی وئه گلین انجام شد، تعداد گویشوران زبان‌های دنیا را نشان می‌دهد. زبان‌هایی که وجود آن‌ها مشخص نیست، حذف شده‌اند. در $\frac{3}{4}$ مواردی که عدد تخمین زده شده‌ای وجود ندارد، تعداد گویشوران بسیار کم است. تعداد کل زبان‌ها (به انضمام زبان‌های نابود شده) ۴۵۲۲ عدد است.



خون تمساح دارای مواد ضد عفونی کننده و میکروب کش است
 تهیه کنندگان برنامه‌های مستند تلویزیون بی. بی. سی که برای تهیه فیلمی از زندگی تمساح‌ها به استرالیا رفته بودند به این نکته توجه کردند، با وجود جراحات زیادی که ناشی از حرکات خشن تمساح‌ها بر روی بدن این جانور ظاهر می‌شود، محل این جراحات در عین تماس مستمر با آب و دیگر مواد طبیعی هیچگاه دچار عفونت نمی‌شود.

عصر آزادگان، دوشنبه ۸ فروردین ۱۳۷۹